تأثیر بوت‌کمپ‌های آموزشی بر اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی دانشجویان پزشکی عمومی: یک مرور سیستماتیک

مهسا جعفری*
دانشجوی کارشناسی ارشد اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی ،دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

مقدمه

ورود دانشجویان پزشکی به محیط بالینی بدون آمادگی کافی، از چالش‌های آموزش پزشکی است.
اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی نقش کلیدی در عملکرد بالینی، تصمیم‌گیری و اضطراب دانشجویان ایفا می‌کنند.
در این راستا، بوت‌کمپ‌های آموزشی به‌عنوان دوره‌های فشرده و مهارت‌محور با هدف تقویت آمادگی عملی و روانی دانشجویان طراحی شده‌اند.

هدف

این مرور سیستماتیک با هدف بررسی و تجمیع شواهد موجود درباره تأثیر بوت‌کمپ‌های آموزشی بر اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی دانشجویان پزشکی دوره عمومی انجام شد.

روش

- مرور سیستماتیک بر پایه‌ی PRISMA و چارچوب PICOTS
- جستجوی مقالات در PubMed، ScienceDirect، ERIC، SID، Magiran، CIVILICA و موتور جستجوی Google Scholar؛ بازه‌ی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۶ با کلیدواژه‌های مرتبط با "self-confidence", "self-efficacy", "boot camp", "medical students"
- معیارهای ورود: مطالعات مقایسه‌ای (pre-post tast یا دارای گروه مقایسه) با سنجش کمّی اعتمادبه‌نفس یا خودکارآمدی در دانشجویان پزشکی عمومی
- معیارهای خروج: مطالعات روی رزیدنت‌ها، بدون دسترسی رایگان به متن کامل و مقالات مروری
- ارزیابی کیفیت روش‌شناختی: چک‌لیست JBI

یافته‌ها

- از ۱۲۶۶ مقاله شناسایی‌شده ← ۲۰ مقاله واردشده
- به‌دلیل ناهمگونی در نوع بوت‌کمپ، مدت، ابزارها و طراحی مطالعات، متاآنالیز ممکن نبود.
- شرکت‌کنندگان: ۸ تا بیش از ۳۰۰ نفر، عمدتاً در سال‌های پایانی تحصیل
- محتوا بوت‌کمپ‌ها: آموزش مهارت‌های بالینی و جراحی، شبیه‌سازی، مهارت‌های ارتباطی، فعالیت گروهی و مرور دانش
- فرمت و مدت: حضوری، مجازی یا ترکیبی؛ از چند ساعت تا چند هفته
- اکثر مطالعات طراحی پیش‌آزمون و پس‌آزمون تک‌گروهی با پرسشنامه‌ی خودگزارشی؛ تنها یک مطالعه دارای گروه مقایسه
- کیفیت روش‌شناختی بیشتر مطالعات: متوسط تا خوب
- اغلب مطالعات افزایش معنادار اعتمادبه‌نفس یا خودکارآمدی پس از مداخله را گزارش کردند؛ بیشترین بهبود گزارش‌شده در بوت‌کمپ‌های ترکیبی، طولانی‌تر و مبتنی بر شبیه‌سازی مشاهده شد.

نتیجه‌گیری

بوت‌کمپ‌ها، به‌ویژه در سال‌های پایانی و پیش از ورود به رزیدنتی، با افزایش اعتمادبه‌نفس و خودکارآمدی دانشجویان پزشکی عمومی همراه بوده‌اند.
مطالعات آینده با طراحی روش‌شناختی قوی‌تر، ابزارهای روان‌سنجی قوی‌تر و پیگیری بلندمدت پیشنهاد می‌شود.

* Mahsajafari.or@gmail.com